



فهم منطق رفتار سیاسی شهید سلیمانی

احد کریم خانی^۱، ایوب پورقیومی^۲ و هادی رنجبر^۳

چکیده:

هدف: شهید سلیمانی دارای وجوه نظامی شناخته شده است. او را به عنوان یکی از مهم ترین و تأثیر گذارترین افراد در غرب آسیا در دهه های اخیر شناسایی کرده اند. این گونه شناسایی، نمی تواند فقط بر شناخت او به عنوان یک ژنرال پر قدرت نظامی متکی باشد. بلکه، او علاوه بر اینکه در عرصه نظامی توانمندی منحصر به فرد داشت، در عرصه های مکمل، خاصه در مباحث سیاسی بسیار اثر گذار بود. از این رو شناسایی منطق رفتار ایشان به عنوان هدف این مقاله در نظر گرفته شد.

روش شناسی: برای نیل به این هدف، روش شناسی روایت پژوهی مورد استفاده قرار گرفت و تلاش گردید تا از منظر افراد قرین با شهید، به بررسی موضوع پرداخته شود.

یافته ها: یافته ها حاکی از آن است که الگوی تفکر جهادی شهید سلیمانی، منحصر به امور نظامی نبود بلکه حوزه های مختلف، از جمله رفتار سیاسی را هم شامل می شد. همین الگو تا پایان زندگانی جهادی او ادامه داشت و حتی منطق رفتار سیاسی او را در وصیت نامه سیاسی - الهی او نیز می توان مشاهده کرد. خدای متعال نیز اراده کرد تا حتی بعد از شهادتش، اثر گذار بماند و لذا شهادت او تبدیل به یکی از قوی ترین موج آفرینان سیاسی - الهی در جهان شد. نتایج: نتایج تحقیق نشان می دهد که محور اصلی منطق رفتار سیاسی شهید سلیمانی التزام نظری و عملی به ولایت فقیه بود.

واژگان کلیدی: قاسم سلیمانی، منطق سیاسی، رفتار، سیاست، نظم نوین جهانی.

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات بین الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق (ع)



مقدمه:

حاج قاسم برای دوره‌ای است که رهبر و فرمانده میدان‌های جنگ در آن دوره، تنها راه نجات را تکیه بر ریسمان ولایت الهی می‌دانستند. مردی که به نظر می‌رسید در جهات مختلف متمایز از دیگران بود و اکنون وقت آن رسیده است که به شخصیت این مجاهد مخلص به طور ویژه نگاه شود. او راهی را انتخاب کرد که به جهاد و شهادت انجامید و سختی‌های طاقت فرسایی را در راستای اعتلای مکتب اسلام به جان خرید. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران فرمودند: سردار شهید عزیز را باید به عنوان یک مکتب نگریست^۱، اگر این چنین عمل نماییم، به دستاوردهای گران بهایی خواهیم رسید.

از طرف دیگر، عشق سردار به خدا در وصیت‌نامه^۲ پر از درس و خرد او نمایان است، وصیت‌نامه این شهید والامقام آکنده از توصیه‌های این شهید بزرگوار برای همراهان و کسانی است که عاشق حفظ و دفاع از ارکان جمهوری اسلامی می‌باشند. آنچه در این نوشته‌ها خودنمایی می‌کند، حمایت همه جانبه از اسلام و ولایت و کشور ایران است. درسی که در مکتب شهید سلیمانی وجود دارد این است که دفاع از جمهوری اسلامی مترادف با حمایت از بیت الله الحرام و قرآن است^۳ و سستی در انجام وظایف در قبال نظام موجب تضعیف آرمان‌ها و ارزش‌ها خواهد شد. زیرا الگوی اسلام انقلابی و اسلام سیاسی بیشترین خطر را برای منافع استکبار و نظام سلطه به همراه دارد.

اهمیت بررسی سیره شهید سلیمانی زمانی روشن می‌گردد که توجه شود هنگامی که ایشان در نیروی قدس سپاه مشغول خدمت بوده‌اند و در کنار قامت نظامی خود، در قامت یک دیپلمات بلندپایه و کاربلد نیز ایفای نقش می‌کرده‌اند. شهید سلیمانی با مذاکرات دیپلماتیکی که در طی این مدت انجام داده است، توانست نیروهای ایرانی را برای آموزش به تمامی محورهای مقاومت اسلامی مانند سوریه، عراق و... ارسال نماید و در چنین کارزاری موفقیت‌های بسیاری را کسب نماید.

مذاکره با دشمنان زورگو و پیمان شکن و قلدرمآب مذموم شناخته می‌شود؛ زیرا ایشان همواره درصدد تحمیل زورگویی‌هایشان به ملت‌های مظلوم بوده‌اند. اما در عین حال مذاکره برای تحقق رویای

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷

^۲ وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی: «خواهران و برادران مجاهد در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی(ص).»

عدالت جهانی اسلام با برادران مسلمان بسیار پسندیده و لازم است. سابقه مذاکره با امریکایی‌ها نشان از آن دارد که ایشان همواره درصدد تحمیل خواسته‌های خود به ملت‌ها هستند و تنها یک‌جانبه مذاکرات را قبول دارند، در عین حال نیز تنها به فکر امتیازگیری از طرف مقابل هستند. هیچ‌گاه نباید واژه مقاومت و واژه مذاکره را در کنار هم قرار داد. این دو مفهوم از دو جنس متفاوت هستند و قیاس مابین آن‌ها اشتباه است.

امروز به لطف خون شهید سلیمانی و درس‌هایی از مکتب سلیمانی، مردم فهمیده‌اند که مذاکره چیست، فعالیت دیپلماتیک چیست، مقاومت چیست و چه فوایدی دارد. منطقی نیست که همه این‌ها در ذهن مردم مخلوط و مقاومت را لکه‌دار کنند و مذاکرات را مقدس جلوه دهند، مردم این مسأله را درک خواهند کرد. ما در مرحله‌ای هستیم که به گفته رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، هیچ جنگ و مذاکره‌ای اتفاق نخواهد افتاد^۱ و مقاومت ادامه خواهد داشت.

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در بیان اهمیت وحدت در جامعه و مسئولین و عدم خیانت ایشان نکاتی را فرموده‌اند. از جمله چنین گفته‌اند: «در خط مقدم جنگ با دشمن، نباید دو صدا بلند شود و کسانی بگویند دشمن نیست، دوست است. خوارج، محصول ترویج همین نگاه بودند. اگر صاحب‌منصبانی آدرس غلط دادند و در جامعه دو صدایی در مقابل دشمن درست کردند، مرتکب خیانت شده‌اند. کوچه دادن به دشمن، بدترین نوع خیانت است. ترویج فهم غلط از دشمن، حساسیت جامعه را از بین بردن و سرد کردن، در درون آن تفرقه درست کردن، خیانت است.»^۲

در بیانی دیگر ایشان در سخنرانی خود عباراتی را در اهمیت وحدت و حقیقت پشت پرده برجام بر زبان جاری کردند: «برای دشمن، این برجام، سه ضلعی است نه یک ضلعی. او با ما فکر می‌کرد به مرور زمان به دو ضلع دیگر می‌رسد، اما آدم عجولی که آمده، اصرار دارد به سرعت برسد و تصورش این بود که می‌رسد. اینکه اصرار می‌کنند بر «برجام ۲» در منطقه، برای این است که می‌خواهند این تحرکی را که از ایران اسلامی به جهان اسلام روح و جان داده، این خونی را که در عالم اسلامی جریان پیدا کرده، بخشکانند. هدف این است که این قدرت ناب اسلامی در «برجام ۲» خشکانده شود. اگر العیاذبالله

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۰۵/۲۲؛ «به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد.»

^۲ سردار سلیمانی در یادواره شهدای ملایر؛ ۱۳۹۵/۰۷/۰۱



ما رفتیم و در «برجام ۲» شرکت کردیم، به همین تمام می‌شود؟ نه، برجام اصلی در داخل ایران است. تلاش آنها به اینجا منتهی نخواهد شد و برجام سه هم خواهند داشت، چون دشمنان معتقدند که چشمه باید خشکانده شود و این چشمه، ایران است.^۱

خدمت بزرگ شهید سلیمانی آن بود که توانستند اصول و مبانی اسلام را در مذاکرات با گروه‌های شیعی و سنی پیاده نمایند و با ایجاد پیمان‌های چندجانبه برای جبهه مقاومت گام بزرگی در اتحاد مسلمین بردارند. یکپارچه شدن مسلمانان برای مقاومت در برابر زورگویان عالم، یکی از اهداف والای شهید سلیمانی بود که برای آن تلاش می‌کرد.

رویکرد شهید سلیمانی برای موفقیت در جبهه‌ها، صفر و صدی نبوده است بلکه با درصدی از موفقیت هم سعی بر آن داشتند تا به تدریج بر دشمن غلبه نمایند و به پیروزی برسند.

بصیرت یکی از مهم‌ترین عوامل در شناخت دشمنان واقعی است، برای فهم دقیق دشمنی افراد می‌بایست نگاه نافذی به جریان‌ات سیاسی داشت. یکی از سیره‌های سردار سلیمانی که به تبعیت از رهبر معظم انقلاب بوده است، حمایت ایشان از افرادی بوده که در طی سالیان بعد از جنگ دچار ضعف اعتقادی شده بودند. ایشان با رفتار محبت‌آمیز و مهربانانه سعی در جذب حداکثری این چنین افرادی را داشتند؛ برای مثال می‌توان به برخی از رزمندگان لشکر ۴۱ اشاره نمود. همین نوع مواجهه شهید سلیمانی منجر به بازگشت بسیاری از انسان‌ها به راه انقلاب شده است.

از این گذشته، عملکرد سردار سلیمانی در مواضع سیاسی به شکلی بوده است که علی‌رغم داشتن رابطه شخصی و محبت‌آمیز با برخی چهره‌های سیاسی؛ این روابط هیچ ضربه‌ای به موضع انقلابی ایشان وارد نکرد و حاج قاسم رفتار علنی و آشکار در برابر مردم داشت به گونه‌ای که مردم هرگز کشف نکردند که وی وابسته به جناح سیاسی‌ای باشد یا کوچک‌ترین مخالفتی با جمهوری اسلامی داشته باشد. برای درک این موضوع، کافی است به خروجی رفتار سیاسی او با برخی از چهره‌های تأثیرگذار انقلاب که برخی از آنها مرده‌اند و برخی دیگر هنوز زنده هستند، نگاه کرد. در پایان، افکار عمومی هیچ تمایزی بین نحوه برخورد ایشان با این افراد مشکل‌ساز قائل نشد! این راز بزرگ تفاوت سردار سلیمانی با بسیاری از شخصیت‌های جدامانده انقلابی با رهبر انقلاب در سال‌های اخیر است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از شهادت بزرگ مرد جهان اسلام بیاناتی را فرمودند که می‌بایست با

^۱ سخنرانی سردار سلیمانی در مراسم گرامی‌داشت ۶۵۰۰ شهید استان کرمان؛ ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

دقت فراوان در آن‌ها، جایگاه سردار شهید سلیمانی در اعتلای اسلام دریافته شود: «رفیق خوب و عزیز و خوشبخت ما، شهید سلیمانی، هم شجاع و هم با تدبیر بود. صرف شجاعت نبود. برخی شجاعت دارند ولی تدبیر و عقل لازم را برای شجاعت ندارند. برخی اهل تدبیر هستند ولی دل و جگر لازم برای اجرای آن تدبیر را ندارند. این شجاعت و تدبیر توامان فقط در میدان نظامی هم نبود، بلکه در میدان سیاست هم همینطور بود. بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعال هستند می‌گفتم که رفتار و کارهای او را مورد توجه داشته باشند. از همه این‌ها بالاتر اخلاص او بود. این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را مخلصانه خرج می‌کرد. اهل ریا و تزویر نبود. اخلاص خیلی مهم است و باید در خودمان آن را تمرین کنیم»^۱.

مرور ادبیات نظری تحقیق:

تفکر سیاسی در اسلام مربوط به دین اسلام و پیش شرطی به نام دین یا اسلام است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که مؤلفه‌های دین مبین اسلام و عناصر اساسی آن چیست؟ پاسخی که در جواب این سؤال داده می‌شود در تجزیه و تحلیل اندیشه سیاسی اسلام بسیار حائز اهمیت است. یکی از اساسی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در اسلام از مدت‌ها قبل به سه دسته اخلاقیات، احکام و اعتقادات تقسیم می‌شده است. به عنوان مثال، کتاب کلینی با عنوان «اصول کافی» حدود هزار سال پیش، بر اساس این ساختار سه بعدی، روایت‌ها و احادیث پس از غیبت کبری را تدوین کرد. جلد اول اصول کافی به اصل دین، جلد دوم به احکام اخلاقی و جلد سوم به بعد به شاخه‌های علم فقه پرداخته است (کلینی، ۱۳۶۵). احمد نراقی نیز از این سه نوع به عنوان علوم واجب یاد کرده است (نراقی، ۱۳۸۰). علما و دانشمندان بزرگ اسلامی در طول تاریخ بر روی صحت این موضوع اظهار نظرات زیادی را از خود بجای گذاشته‌اند. یکی از این علمای والامقام، علامه طباطبایی است که در کتب مختلف خود بر این دسته‌بندی سه‌گانه تأکید کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴). امام خمینی (ره) بر اساس یکی از روایات سنددار در کتاب چهل حدیث خود، علوم را به سه دسته، آیه محکمه، فریضه عادل و سنه قائمه تقسیم‌بندی می‌نماید که هر کدام از آن‌ها خود دارای خوشه‌بندی‌های متفاوتی هستند (خمینی، ۱۳۶۲). تأکید بر این دسته‌بندی سه‌گانه را نیز می‌توان در گفتارها و نوشتارهای امام خمینی (ره) نیز مشاهده نمود (برزگر ا. و مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳). شهید مطهری نیز وجوه سه‌گانه اسلام

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم؛ ۱۸/۱۰/۱۳۹۷



یعنی عقاید، اخلاق و احکام را به ترتیب با ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و کنشی سازگار و منطبق ساخته است (مطهری، ۱۳۸۲). این تقسیم‌بندی سه‌گانه متناسب با ابعاد وجودی انسان است.

در بیانی متفاوت از آن‌جایی که اسلام برای انسان آمده است و مخاطب تعالیم تمامی انبیا در طول تاریخ انسان‌ها بوده‌اند، این تعالیم الهی که به دسته‌های گوناگونی تقسیم‌بندی شده‌اند، همه مربوط به ابعاد وجود انسان هستند. در نتیجه می‌توان گفت ابعاد وجودی انسان نیز همانند این سه بخش دارای سه بعد است. فهم عقلانی مربوط به مغز انسان، گرایش‌های عاطفی مرتبط با قلب انسان و رفتارهای ظاهری مربوط به انسان و اعضا و جوارح او است. با کمال تعجب، این طبقه‌بندی سه‌گانه کلاسیک از اسلام با ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان‌ها که در الگوی علم روانشناسی اساسی هستند سازگار است (برزگر ا.، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳) (برزگر ا.، روانشناسی سیاسی، ۱۳۸۸).

آیت الله جوادی آملی از اعتقادات به عنوان اصول دین، اخلاقیات متوسطات و احکام به عنوان فروع دین نام برده‌اند. ایشان دین را به دو دسته تقسیم می‌نمایند که بخشی از آن به مجموعه معارف قوانین و دستورهای نوشتاری تعلق دارد که در قرآن و سنت آمده است. بخش دیگر دین وجود مقدس پیامبران امامان علیهم السلام هستند که اخلاق و احکام را درک کرده و به آن معتقد شده‌اند. در نتیجه قرآن و عترت دو مصداق راه راست هستند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸).

این نوع تقسیم‌بندی سه‌گانه، اخلاقیات، اعتقادات و احکام فقهی و عبادی جزو معتبرترین نوع تقسیم‌بندی‌ها است، و دانشمندان بزرگ نیز به شرح و بسط آن پرداخته‌اند که برخی از ایشان عبارتند از: علامه طباطبائی، جوادی آملی، مرتضی مطهری، امام خمینی (ره)، محمدباقر صدر (صدر، ۱۳۵۹)، یحیی نوری، مصباح یزدی (مصباح یزدی، ۱۳۸۸)، علی مشکینی و نویسندگانی چون فیض (فیض، ۱۳۸۰)، ضیاء آبادی، ابوالفضل عزتی و حتی متفکران اهل سنت نظیر یوسف قرضاوی (قرضاوی، ۲۰۰۱م) و جز آن، این طبقه‌بندی به دفعات در گفتار و نوشتار آنان به کار گرفته شده است. این تأکید توسط بزرگان علوم مختلف نشان از محکم بودن دلیل این نوع تقسیم‌بندی سه‌گانه است. در جدول ذیل می‌توان چکیده مطالب را خلاصه کرد.

جدول ۱: ارکان ابعاد سه گانه اسلام

حوزه سیاست	معارف مرتبط	متعلق	ویژگی ها	ابعاد انسان	ابعاد سه گانه
اندیشه و کلام سیاسی	فلسفه و حکمت و کلام	ذهن	شناختی	بینش ها	عقاید
اخلاق و عرفان سیاسی (سیاست اخلاقی)	اخلاق و عرفان عملی	قلب	عاطفی	گرایش ها	اخلاق
فقه سیاسی و رفتار سیاسی	فقه و اصول	اعضا و جوارح	رفتاری	کشش ها	احکام

جستار سه گانه معرفت سیاسی در اسلام

همانطور که بیان شد، اسلام دارای ارکان سه گانه (اعتقاد، اخلاق و احکام) است. اکنون ادعا می شود که در دانش سیاسی اسلام، این سه رکن تکرار شده و اندیشه های سیاسی، اخلاق سیاسی و تصمیمات سیاسی بر این اساس مورد توجه قرار می گیرند (برزگر ا. و ۱۳۸۹). پژوهشگر اندیشه سیاسی در اسلام می تواند محتوای دانش سیاسی را در سه سبب با این سه شاخص قالب بندی، سازماندهی و به روز کند. در ادامه، شرح مختصری از هر یک از این سه مؤلفه ارائه شده است.

عقاید سیاسی

اعتقادات سیاسی، اولین مؤلفه مدل تفکر سیاسی در اسلام است. تمایز آن از سایر اجزا آشکار است. عقاید سیاسی در حکمت نظری یافت می شود. در حالی که اخلاق و تصمیمات سیاسی حکمت عملی هستند. عقاید را اصول دین می نامند و کسب آنها توسط شخص باید اجتهادی و قانع کننده باشد. در حالی که در شعب دین که همان قوانین اعمال می شود، تقلید مجاز است. به همین دلیل، ایده های سیاسی بالاتر از دو مجموعه دانش دیگر قرار می گیرند و جنبه ای اساسی برای خود پیدا می کنند. دانش های مرتبط با آنها فلسفه و الهیات سیاسی هستند. در اندیشه سیاسی اسلامی، آثار مرتبط با آنها به عنوان مقاله هایی درباره فلسفه سیاسی یا کتاب های الهیات سیاسی شناخته می شوند. نمونه بارز آن را می توان در افکار و آثار فارابی جستجو کرد. در این سبب همچنین باید بین عقاید سیاسی جناح حق و اعتقادات سیاسی محقق از دیدگاه دانشمندان مسلمان (محققان) تمایز قائل شد. برخی این مبحث را «اندیشه سیاسی اسلام» (که مبتنی بر قرآن و سنت است) و «اندیشه سیاسی جهان اسلام» (که اندیشه سیاسی



مسلمانان است) می نامند (علیخانی & همکاران, ۱۳۸۴).

اخلاق سیاسی

دومین رکن از تقسیم بندی سه گانه ای که مطرح شد، اخلاقیات است، تمایز اخلاقیات با اعتقادات را به راحتی می توان تشخیص داد اما برای جداسازی اخلاقیات و احکام نیاز به دقت بیشتری است. از دیرباز یونانیان، حکمت عملی را به سه عرصه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست تقسیم کرده اند (Lacewing, 2009).

تقسیم بندی اخلاق سیاسی عبارت است از: الف) اخلاق سیاسی حکومت کنندگان ب) اخلاق سیاسی حکومت شوندگان (Thompson, 1987). به دلیل اهمیت اخلاق سیاسی برای حاکمان، عده ای اخلاق سیاسی را با نام اخلاق کارگزاران بیان نموده اند و کتب «سیاست نامه نویسی»، بیشترین تمرکز خود را بر توصیه به حاکمان برای اصلاح رفتار و گفتار و شیوه حکومت گذاشته اند (شریعتمدار, ۱۳۸۰).

فقه سیاسی

سومین بخش از اقسام سه گانه اسلام، فقه سیاسی است که به بایدها و نبایدهای حکومتی اشاره می کند (Sarat, 1983). به طور رسمی، فقه سیاسی یکی از سه رکن مدل است و حداقل یک سوم محتوای دانش سیاسی اسلامی در این بخش است. اما در حقیقت، فقه سیاسی از نظر نفوذ، چاق ترین قسمت و بزرگترین مجموعه دانش سیاسی است، ابتدا فقه سیاسی، سپس اخلاق سیاسی و توصیه ها و سپس الهیات و فلسفه سیاسی که کمترین تأثیر را در سیاست دارند، مورد بررسی قرار می گیرند (رجایی, ۱۳۷۳). فقه سیاسی بیش از دو شاخه دیگر این مدل، یعنی اعتقاد سیاسی و اخلاق، با «سیاست» نزدیکتر است. زیرا در فقه سیاسی، «رفتار سیاسی» مسلمانان به عنوان یک وظیفه سازمان یافته است. به عبارت دیگر، ارکان قبلی، یعنی اعتقادات و اخلاق، باطنی است و نمی توان در ذهن مردم بود و آنها هیچ نمود بیرونی ندارند. شکل ظاهری آنها فقط وقتی اتفاق می افتد که به شکل صادرات رفتاری باشد. در نتیجه، رفتار فقط به فقه و رفتار سیاسی به فقه سیاسی اشاره دارد. در این حالت، «اقدامهای اجباری» و «امور خارجی» باید در فقه سیاسی تعریف شود (Shapiro, 1963). در واقع، در فقه سیاسی است که



صادرات و نتیجه رفتار انسان وجود دارد. اعتقادات (درک) و اخلاق (گرایش‌ها) در فرد زمینه‌ای را ایجاد می‌کند و این دو عامل پیش نیازهای لازم برای رفتار سیاسی و جسمی را ایجاد می‌کنند.

تعاملات و ارتباطات ارکان سه گانه

سه بخش عقاید، احکام و اخلاق سیاسی با یکدیگر در تعامل و ارتباط هستند. فارغ از فضای تئوری در واقعیت این سه رکن در هر امور مختلف بر یکدیگر تأثیرگذار هستند و نمی‌توان جدا و مستقل از هم هر یک از آن‌ها را مورد تحلیل قرار داد. این نوع از ارتباطات را می‌توان در تمامی بخش‌های اسلام نیز مشاهده نمود. همانطور که تقسیم‌بندی سه گانه اخلاقیات، اعتقادات و احکام بیان شد. و نمود هر یک از آنها را می‌توان در حاکمان، مسلمانان و... مشاهده کرد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روایت‌پژوهی است. روایت‌پژوهی^۱ به معنی یافت وقایع در کشاکش روایت است. روایت‌پژوهی نوعی از مطالعه و بررسی است که افراد به دو دلیل از آن بهره می‌برند: ۱- برای تغییر وضعیت نامطلوب و رسیدن به وضعیت نسبتاً مطلوب و در نهایت بهسازی کارها در محیط شغلیشان بکار می‌برند و ۲- برای تبیین و بازگو کردن روایت‌های خود از پدیده مورد بررسی (Avison, 1999). روایت‌پژوهی از رویکردهای مهم در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود که عمدتاً برای فهم عمیق دیدگاه‌های تجربی خبرگان کاربرد دارد. از روایت‌پژوهی برای درک عمیق افراد قرین و نزدیک در روایت رهبران استفاده می‌شود. در این رویکرد، پژوهشگر که یا به عنوان مرجع تغییر و تحول امور جاری متکی بر تجربیات مثبت یا منفی روایت شونده استفاده شده است. فرد قرین به عنوان راوی پدیده عمل می‌کند، مساله یا مشکل را شناسایی یا به ارائه آنچه از پدیده دیده است می‌پردازد. منبع کسب ایده‌های روایی غالباً صداقت در روایت است. اگر راوی پدیده را به درستی شرح دهد، روایت‌پژوهی به ثمر نهشته است. برای این منظور راوی، به طور دقیق اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کند و سپس به اقدام مناسب مبادرت می‌ورزد و از نتایج اقدام ارزیابی به عمل می‌آورد (عابدی احمد، ۱۳۸۶). در این پژوهش، با عنایت به قرین بودن پژوهشگر با شهید سلیمانی، می‌توان انتظار داشت

¹ Narration Research

که روایت او از پدیده مورد بررسی (مکتب شهید سلیمانی) نافذ باشد.

یافته‌های تحقیق:

(۱) وصیت نامه سیاسی الهی سردار سلیمانی

تمام ابعاد شخصیتی سردار سلیمانی را می‌شود در وصیت‌نامه ایشان مشاهده نمود. برای استخراج شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی می‌بایست، وصیت‌نامه ایشان محور جلسات مختلف قرار بگیرد. منطق رفتار سیاسی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و شعور عملیاتی شهید سلیمانی، در وصیت‌نامه ایشان نمایان است.

(۲) شهید سلیمانی، عاشق شهادت

شهید سلیمانی بارها از خداوند متعال درخواست کرده بود که شهادتش را به دست بدترین دشمنان دین قرار دهد و خداوند نیز درخواست او را اجابت فرمود و شهادت ایشان را به دست شقی‌ترین انسان‌های روی کره خاکی رقم زد. بارها در صحنه‌های مختلف نبرد تیرهای قناصه‌زن‌های گروه‌های تروریستی به سمت سردار شهید سلیمانی شلیک می‌شد اما ایشان به شهادت نرسیدند. حتی در فرودگاه حلب هم ایشان بارها در محاصره بودند اما هیچ اتفاقی برایش نیفتاد و می‌بایست زمان شهادت ایشان فرا می‌رسید تا به سمت ملکوت اعلی پرواز کنند. ایشان در عملیات‌های مختلف مجروح شدند ولی زمان شهادتشان فرا نرسیده بود و می‌بایست مسئولیت سنگین مقاومت را به دوش می‌کشیدند تا موعد مقرر فرا رسد و به دوستان شهیدشان پیوندند.

(۳) خاطرات پیش از شهادت سردار سلیمانی

سردار شهید سلیمانی قبل از شهادتشان کاملاً آماده برای لقاءالله بودند. یکی از همراهان ایشان از کارهایی که ایشان در سفر آخرشان به سوریه داشته‌اند این چنین می‌گویند: «سردار سلیمانی چهارشنبه از سوریه به سمت لبنان رفتند و بعد از لبنان دوباره به سمت سوریه برگشتند و از سوریه به سمت عراق رفتند که این حادثه بزرگ اتفاق افتاد. هیچ فردی از سفر غیر منتظره سردار سلیمانی باخبر نبود و در لحظه آخر ایشان شرایط و لوازم سفر را فراهم کردند. شهید بزرگوار در نیمه‌های شب مشغول راز و نیاز

با خداوند و خواندن شعر «ای لشکر صاحب زمان آماده باش آماده باش» بودند».

یکی از فرماندهان همراه شهید سلیمانی که سال‌ها توفیق همراهی با ایشان را داشته، می‌گوید: «شهید سلیمانی وقتی در سوریه هم بودند از آنجا تماس می‌گرفتند و همیشه تأکید می‌فرمودند حتماً می‌بایست به آهوهایی که نزدیک کوه‌های مجموعه هستند در فصل سرما رسیدگی کنید علوفه برایشان بریزید. خود شهید هم پیگیر انجام این کار بودند»

در نهایت هم شهید سلیمانی در هنگام رفتن از قرارگاه، از همه افرادی که در آنجا بودند حلالیت طلبیدند و حال و هوای متفاوتی در آنجا برقرار شد.

۴) چرایی حادثه شهادت سردار سلیمانی

عامل مهمی که می‌بایست در تحلیل‌ها به آن توجه شود، بررسی چرایی ترور سردار شهید سلیمانی است. یکی از علل این عمل را می‌توان در خارج از مرزهای ایران و در خاک کشور آمریکا بررسی کرد و آن هم این است که آن‌ها به بن‌بست استراتژیک رسیده بودند و راهکاری برای برون‌رفت از این ماجرا نداشتند.

تحلیلی بر بن‌بست راهبردی آمریکا توسط شهید سلیمانی

بن‌بست راهبردی آمریکا در منطقه از آن‌جا نشأت گرفته است که راهبرد خاورمیانه بزرگ آن‌ها در منطقه با اهدافی که طراحی کرده بودند به نتیجه نرسیده بود و کارها برایشان در منطقه قفل شده بود به همین علت هزینه ترور سردار شهید سلیمانی را پذیرفتند و این کار وحشیانه را انجام دادند.

هدف اول آمریکا: تأمین امنیت اسرائیل غاصب

اولین هدف آمریکا تأمین و تضمین امنیت رژیم صهیونیستی بوده است. خاورمیانه بزرگ هدف اصلی ایشان بوده و جان‌مایه آن تجزیه کشورهای منطقه است. این هدف آمریکا برای آن بوده است که محور مقاومت نتواند به اسرائیل نزدیک شود اما امروز با فرماندهی حاج قاسم، جبهه مقاومت خودش را به مرز سرزمین‌های اشغالی رسانده است.

برآورد سالانه نهادهای اطلاعاتی آمریکا حاکی از آن است که وضعیت امنیتی اسرائیل اشغالگر



نسبت به سال‌های گذشته در منطقه بسیار ضعیف‌تر شده است. نقش اساسی در برهم زدن نقشه‌های دشمنان اصلی محور مقاومت بر عهده شهید حاج قاسم سلیمانی بوده است. ایشان با فداکاری‌های بسیار خود به این مهم دست یافتند.

هدف دوم امریکا: تثبیت هژمونی خود در منطقه

هدف دوم ایشان عبارت بود از تثبیت هژمونی امریکا در منطقه و دنیا. جمهوری اسلامی ایران واقعاً به این هژمونی خدشه وارد کرد و اجازه نداد که این اتفاق بیفتد.

هدف سوم امریکا: تسلط بر انرژی منطقه

هدف سوم تسلط بر انرژی منطقه بود. شهید سلیمانی بارها می‌فرمودند که اگر قرار است نفت ما صادر نشود، نفت دیگران هم نباید صادر شود. نباید منطقه برای امریکا و دیگر مستکبرین امن باشد که بتوانند به راحتی نفت صادر کنند و نفت ما روی دست مان بماند. در یکی دو سال اخیر دستیابی به این هدف توسط محور مقاومت محقق شده است.

هدف چهارم امریکا: اسلام هراسی و ایران هراسی

هدف چهارم امریکا ایجاد اسلام هراسی، ایران هراسی، شیعه هراسی در کشورها است. نمونه‌ای از اقدام‌های ایشان را می‌توان در ایجاد بیش از ۲۵۰ گروه تروریستی برای ناامنی در منطقه مشاهده کرد. این هدف ایشان نیز با درایت شهید سلیمانی و عنایت خداوند متعال ناکام ماند. ایشان بنیه و اساس داعش را به کمک مدافعان حرم در سوریه از میان برداشتند و الآن تنها گوشه‌های پراکنده‌ای داعش در سوریه باقی مانده است. درحقیقت شاکله اصلی آن‌ها از هم پاشیده است.

هدف پنجم امریکا: مقابله با نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه

هدف پنجم مقابله با نفوذ و به تعبیر بهتر قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه است. شهید سلیمانی در بیانی می‌فرمود: «من شهادت می‌دهم هیچ‌گاه در تاریخ انقلاب ما به اندازه امروز فرصت و اقتدار و قدرت نداشتیم».

در داخل کشور نیز متأسفانه هزینه‌ها و شبهه‌هایی پیرامون اهمیت وجود محور مقاومت به وجود آوردند و به دنبال تضعیف روحیه مردم و بدبینی ایشان نسبت به محور بودند. اما با شهادت حاج قاسم سلیمانی فضا و اهمیت این سرمایه‌گذاری‌ها در محور مقاومت برای مردم بسیار روشن گردیده است. در ادامه به تبیین رفتار سیاسی سردار سلیمانی و اصول حاکم بر این رفتار پرداخته خواهد شد.

۶) اعتقاد راسخ به عدم جدایی دین از سیاست

یکی از اعتقادات شهید سلیمانی، اعتقاد به عدم جدایی دین از سیاست بود. سردار شهید سلیمانی در رفتار سیاسی خود نه سیاست زده بود و نه سیاسی. ایشان مصداق جمله معروف شهید مدرس هستند که می فرمودند: «سیاست ما عین دیانت ماست». سردار سلیمانی به این جمله اعتقاد داشتند و در رفتارشان نیز اعمال می کردند. ایشان در یکی از سخنرانی هایشان در دانشگاه کرمان از زمزمه های جدایی دین از که در جامعه به راه افتاده است، انتقاد می کنند و التزام بر اصل فوق را مورد تأکید قرار می دهند.

۷) التزام نظری و عملی به ولایت فقیه

شاخصه ولایت مداری شهید سلیمانی در میان تمامی ویژگی های ایشان از جایگاه بالاتری برخوردار بوده است. محبوبیت شهید سلیمانی قبل از شهادتشان براساس آمارهایی که گرفته می شد در میان مردم، بالای هشتاد درصد بوده است. روزی این را به شهید سلیمانی اطلاع و پیشنهاد کاندیداتوری ریاست جمهوری را به ایشان دادند. شهید سلیمانی در جواب فرمودند: «اگر حضرت آقا یک خط بنویسند که من از شما راضی هستم و این را درون کفتم بگذارند به ده ها بار رئیس جمهور شدن می ارزد». این سخن شهید به معنای ترجیح رضایت آقا بر هر کاری است. حضرت آقا نیز در بیانی به ایشان فرمودند: «بنده هر روز برای شما صدقه می دهم».

آخرین مطالبه ای که سردار شهید سلیمانی قبل از شهادتشان داشتند، این بود که به نامه گستاخانه ۷۷ نفر از این جریان های تندرو باید پاسخ داده شود و چرا کسی پاسخ نمی دهد. مدتی بعد ۷۷ استاد بسیجی دانشگاه پاسخ دادند اما خیلی دیر شد و با چهار ماه تأخیر این اتفاق افتاد. اما همان زمان توسط شهید سلیمانی مطالبه شد که چرا پاسخی داده نمی شود. فرض کنید نوشته ای را یکی از تندروها خطاب به آقا می نوشتند، مطالبه سردار سلیمانی بود که علما پاسخ بدهند. نباید به این جایگاه خدشه وارد شود. سردار سلیمانی می فرمودند که: «ما مطیع ولایت فقیه هستیم» و کاملاً نگاه ایشان به سخنان و رهنمودهای مقام معظم رهبری بوده است.

بصیرت ایشان در فهم رهنمودهای مقام معظم رهبری بسیار بالا بود. ایشان درباره تهدیدهایی که در سال های ۹۷ و ۹۸ کشور با آن مواجه بود می گفتند که: «استنباطم از فرمایشات مقام معظم رهبری این

است که سال ۹۸ از ۹۷ مطلوب تر است. ایشان در فرمایشات نوروزی شان فرمودند که امسال سال فرصت ها است».

زمانی که نشان ذوالفقار به سردار سلیمانی اعطا شد، ایشان به شدت مخالف بود و این نشان را نمی پذیرفت. اما زمانی که متوجه شدند که حضرت آقا فرموده اند: «تشخیص من این است که این کار انجام بشود»، ایشان قبول کردند، در غیر این صورت ایشان به دنبال مقام های دنیایی و این مدال ها و القاب و نشان ها نبودند.

شهید سلیمانی همواره مهم ترین شئون عاقبت به خیری را در میزان اتصال مردم به ولی فقیه جامعه می دانست و می فرمود: "برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ؛ یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم ترین محور محاسبه این است." (یادواره شهدای مدافع حرم - ۹۶/۱۰/۱۷)

وی در عمل و گفتار مطیع ولی فقیه بود و عمل به اوامر و دستورات ایشان را حجت شرعی می دانست و می فرمود: "حضرت آیت الله العظمی خامنه ای از اولیاء الهی است و نزدیک ترین صفات را به ائمه اطهار دارند و ما تابع تشخیص ایشان هستیم، چون عاقبت به خیری در این است. حرف حضرت آقا بر من حجت شرعی دارد و همین که ایشان از ما راضی اند و سر ما را می بوسند به همه عالم می ارزد." (در جمع فرماندهان - ۹۸/۴/۱۲)

بنابراین شهید سلیمانی شاخص اصلی برای رفتار سیاسی خود را فرمایشات و دیدگاه های حکیمانه ولی فقیه جامعه قرار داده بودند و همواره مراقبت می کردند که خود ذره ای از این شاخص فاصله نگیرند و اجازه هم نمی دادند که کسی بخواهد کوچک ترین خدشه ای به آن وارد کند.

۸) انقلابی گری

در کنار بحث ولایتمداری شهید سلیمانی آن موضوعی که در اندیشه سیاسی وی بیش از همه نمود داشت، انقلابی گری ایشان و دفاع از اندیشه های انقلابی بود. امام خامنه ای در بیاناتی در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۹۸ در رابطه با شخصیت انقلابی سردار شهید سلیمانی و ویژگی های انقلابی گری وی فرمودند: «ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این گونه تقسیم بندی ها نبود اما

به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی گری خط قرمز قطعی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود و برخی سعی نکنند که این واقعیت ها را کم رنگ کنند».

شاید بتوان یکی از نمونه های بارز ایشان در بحث انقلابی گری را در نامه جمعی از سرداران سپاه به رییس جمهور وقت در سال ۱۳۷۸ عنوان کرد. به دنبال حوادث کوی دانشگاه تهران و حضور عناصر فتنه گر در تشدید قضایای مربوطه جمعی از فرماندهان سپاه با محوریت شهید سلیمانی نامه ای روشن گرانه در دفاع از آرمان های انقلاب اسلامی منتشر کردند. برخی از بندهای این نامه که نشان از عمق انقلابی سردار سلیمانی و امضاکنندگان آن بود به شرح ذیل آمده است:

"جناب آقای رئیس جمهور، حمله به کوی دانشگاه همان طوری که رهبر بزرگوار و مظلوم این انقلاب فرمودند امری ناپسند، زشت و بد بود و علی رغم این که سخت ترین و تندترین برخوردها با آن انجام پذیرفت اما همه مردم به دلیل ناپسندی عمل انجام شده این برخوردها را پذیرفته و بر آن صحنه گذاردند، اما سؤال مهم و پرابهام این است که آیا فاجعه فقط همین بود؟ صرفاً همین موضوع قابل پیگیری و توجه و اعتراض و تحصن است که چند وزیر به خاطر آن استعفا دهند، شورای امنیت تشکیل جلسه بدهد و گروه تحقیق تشکیل گردد، اما آیا حرمت شکنی و توهین به مبانی این نظام، تاسف و پیگیری ندارد؟ آیا حریم ولایت فقیه کمتر از کوی دانشگاه است؟ آیا حریم امام، آن انسان کم نظیر، کمتر از جسارت به یک دانشجو است؟ آیا چند روز امنیت کشور را دچار اختلال کردن و به هر مؤمن و متدین حمله کردن و آتش زدن فاجعه نیست؟ آیا زیر سؤال بردن جمهوری اسلامی، این یادگار دهها هزار شهید و شعار علیه آن دادن فاجعه نیست؟

جناب آقای رئیس جمهور، امروز وقتی چهره رهبر معظم انقلاب را دیدیم مرگ خودمان را از خداوند طلب کردیم چون که کتف هایمان بسته است و خار در چشم و استخوان در گلو باید ناظر پژمرده شدن نهالی باشیم که حاصل ۱۴ قرن سیلی و زجر شیعه و اسلام است."

بندهای این بیانیه و حمایت مستقیم سرداران از ولایت فقیه، عمق انقلابی گری آنان و شخص سردار سلیمانی را نشان می دهد. به گونه ای که در بندهای مختلف نامه تأکید اصلی و صرف بر مسأله ولایت فقیه و تبیین خطوط قرمز انقلاب بوده است.

شهید سلیمانی با تأسی از این جمله حضرت امام خمینی (ره) که می فرمود اگر در مقابل دین ما بایستید در مقابل همه دنیای شما می ایستیم اعتقاد داشت که دین ما الآن انقلاب اسلامی و نظام مقدس



جمهوری اسلامی ایران است. واقعا هم به این اصل اعتقاد راسخ داشت و حاضر نبود در مقابل هجمه کنندگان به انقلاب ذره ای کوتاه بیاید. این شهید عزیز می فرمود هر کس خلاف مصالح نظام و حضرت آقا عمل کند من از هر انقلابی ای انقلابی تر هستم .

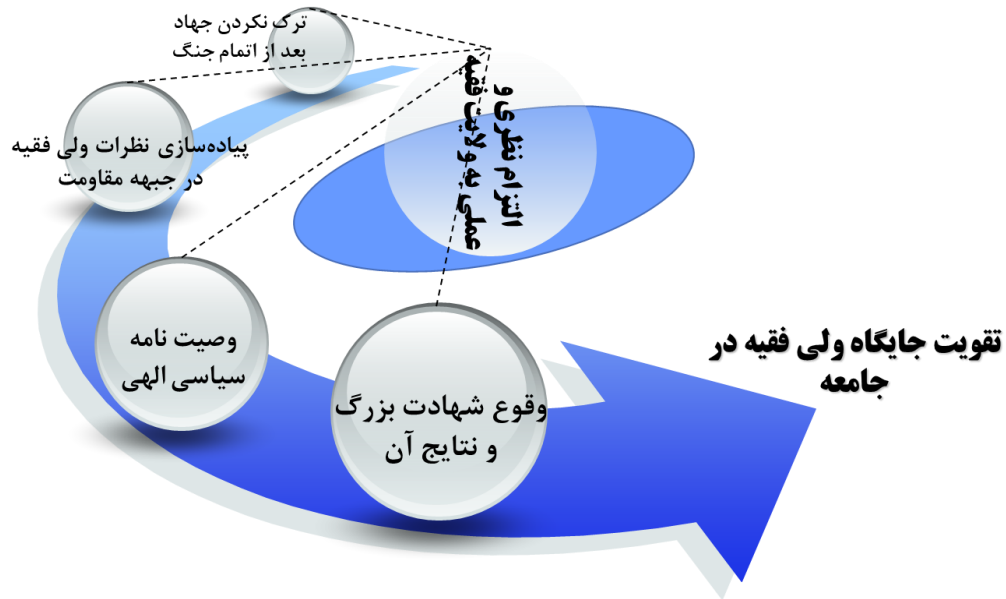
جمع بندی و نتیجه گیری:

واقعه بزرگ شهادت سپهد سلیمانی، معادلات دنیای اسلام و جهان را دگرگون ساخته است. این شهید عزیز با خون خود برکت بزرگی را برای کشور ایران و منطقه به ارمغان آورده است. دشمنان اسلام در محور مقاومت روز به روز در حال افول هستند و ناتوانی ایشان در مدیریت و ایده پردازی حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی و... نشان از این سراشیبی در نفوذشان دارد. در ایران نیز باید از برکت به وجود آمده کمال بهره را برد و آن را به فرصتی برای پیشرفت برشمرد.

دشمنان هر چه کردند نتوانستند در برابر مقاومت ذره ای بایستند و در حقیقت این نشان از لحظات پایانی عمر حضورشان در منطقه و محور مقاومت دارد. افول قدرت های زورگو در مجامع علمی دنیا در حال تحقیق و تفحص است. امریکا در خود نیز دچار مشکلات عدیده ای است که مردم کشور امریکا نیز از این اوضاع نابسامان ناراحت هستند و اعتراض دارند. سیاست های ددمنشانه امریکایی ها در منطقه رو به زوال است و پیروز نهایی محور مقاومت و مسلمانان هستند.

تحلیل درست و صحیح از وضعیت کنونی امریکا در عرصه های مختلف داخلی و بین المللی نیاز امروز ما است. هرگاه بتوانیم دید درستی از اهداف امریکا داشته باشیم، خواهیم توانست با برنامه ریزی صحیح در داخل کشور و تکیه بر توان جوانان داخلی به موفقیت های بزرگی دست یابیم. چاره تمامی مشکلاتی که استکبار جهانی برای کشور ما ایجاد کرده است را می بایست در داخل کشور پیدا نماییم.

مکتب شهید سلیمانی درس بزرگی به ما می دهد، آن هم اتکا به خود در عین توکل بر خدا و توسل به اهل بیت علیهم السلام و جهادی و مخلصانه عمل کردن است. هرگاه بتوانیم در راه رسیدن به هدف و ایستادگی در برابر ظالم تمامی توان خود را به کار گیریم، نصرت الهی نیز شامل حال ما خواهد شد و می توانیم به سرمنزل نهایی برسیم.



شکل: منطق سیاسی شهید سلیمانی



منابع و مآخذ:

- Avison, D. E. (۱۹۹۹). Action research. *Communications of the ACM* , ۴۲(۱), ۹۴-۹۷.
- Lacewing, M. (۲۰۰۹). *Practical wisdom*. Philosophy for A2: Key Themes in Philosophy.
- Sarat, A. (۱۹۸۳). The Maturation of Political Jurisprudence. *Western Political Quarterly*. ۵۵۸-۵۵۱, ۳۶(۴),
- Shapiro, M. (۱۹۶۳). Political jurisprudence. ۲۹۴, ۵۲.
- Thompson, D. F. (۱۹۸۷). *Political ethics and public office*. Harvard University Press.
- برزگرو، ا. (۱۳۷۳). مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- برزگرو، ا. (۱۳۸۸). روانشناسی سیاسی. تهران: سمت.
- برزگرو، ا. (۱۳۸۹). ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام. دانش سیاسی، ۶(۲)، ۴۳-۷۹.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۷۸). تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم (جلد جلد اول). (ت. ع. اسلامی، تدوین) قم: مرکز نشر اسراء.
- خمینی، ر. (۱۳۶۲). صحیفه نور. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- رجایی، ف. (۱۳۷۳). معرکه جهان بینی‌ها. تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب.
- شریعتمدار، ن. (۱۳۸۰). کارایی فقه سیاسی (جلد شماره ۱۴). فصلنامه علوم سیاسی.
- صدر، م. (۱۳۵۹). خلافت انسان و گواهی پیامبران. (ت. ج. موسوی، مترجم) تهران: روزبه.
- طباطبائی، س. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (س. م. موسوی همدانی، مترجم) قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدی احمد، ش. ع. (۱۳۸۶). روش شناسی اقدام پژوهی و کاربرد آن در پژوهش های علوم رفتاری. روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ۱۳(۵۱)، ۷۱-۸۹.
- علیخانی، ع. و همکاران. (۱۳۸۴). مالک بن نبی، در: اندیشه سیاسی در جهان اسلام (جلد جلد ۲).

تهران: جهاد دانشگاهی.

فیض و ع. (۱۳۸۰). گفتگو (جلد ۱۰). متین.

قرضاوی، ی. (۲۰۰۱م). مدخل لمعرفة الاسلام. قاهره: مکتبه وهبه.

کلینی، ا. (۱۳۶۵). الاصول من الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، م. (۱۳۸۸). احتیاط، اصل روش شناسی دین پژوهی (جلد شماره اول). فصلنامه

پژوهش.

مطهری، م. (۱۳۸۲). انسان و ایمان. تهران: صدرا.

نراقی، ا. (۱۳۸۰). معراج السعاده (جلد چاپ پنجم). تهران: انتشارات پیام آزادی.